

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعا در حریم یار  
نویسنده : احمد علی نقی پور

### مقدمه

### آیات الهی

### اما روایات

### نتیجه گیری

### بی نوشت ها

### مقدمه

قدم در حریم دوست نهادن و در محاذات عرش خداوندی به گردش در آمدن ، گذشته از این که روح و روان آدمی را جلا می دهد، خود نعمتی است از نعمت های قابل ستایش و بر بنده است در این عبودیت بر خود بیبالد که توانسته است به چنان عظمت و روح بلندی راه یابد که پای در آن حرم بی بدیل نهد و در سلك سالکان معبود بی منتها در آید.

روح زمانی به اوج می رسد که پرده ها کنار رود «وَتَخْرُقُ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ» هویدا گردد و بُعد مسافت به قرب حبل الوریذ مبدل شود و در پایان ، فناي عبد زائر در مولای مزور را به دنبال داشته باشد.

نیل به این قلّه ، نسبی است و ره یافتگان ، به اندازه توان و فعالیت خویش بدان راه می یابند. از ره توشه های این راه که می تواند کمک شایانی در راه رسیدن به این نقطه وصل بنماید، «دعا» است.

به گفته بعضی اهل عرفان ، دعا واسطه اسم اعظم ، معراج نفس ، وسیله قرب الی الله، حیات روح ، توشه سالکان حرم کبریای لایزال و شعاع عاشقان قیلة جمال و دثار عارفان کعبه ذی الجلال است.

دعا، یاد دوست در دل راندن و نام او به زبان آوردن و در خلوت با او جشن گرفتن و در وحدت با او نجوا ساختن و شیرین زبانی کردن است و بالأخره به فرموده اولیای دین ، مغز تمامی عبادت ها است ؛ دعایی که رهروان این طریق به سالکان آموختند و راه را بر آنان آسان و هموار کردند. (که در جای خود سپاسی در خور تحسین به آستان آن معلمان بشریت را می طلبد.)

آنان ، هم خواستن را آموختند و هم چگونه خواستن را و بر ما است که طریق سلوک بیاموزیم و آن گونه که تعلیم یافته ایم به کار گیریم) ره چنان رو که رهروان رفتند) چرا که ، «چه خواستن» و «چگونه خواستن» از ارکان رسیدن به هدف است و به گفته اهل معرفت ، ره پویان این راه برای رسیدن به نقطه مطلوب ، بدون راه دان ، راه به جایی نمی برند که خود راه دانان نیز از طریق وحی بدان راه یافته و در سیل آن قدم نهاده اند و اگر وحی و دانش آموختگان طریق وحی نبودند شاید هرگز بشریت نمی توانست دریچه ای به آن نقطه مطلوب بگشاید. ما نیز به عنوان یکی از این قافله ، عزم بر این نهاده ایم که از همین آبشخور جرعه ای نوشیده ، صفای روح و جلاي باطني پیدا کنیم ، لذا قافله سالاران را پیش قراول خود قرار داده بدانان اقتدا می کنیم.

بدین روال ، در این نوشته ابتدا از وحی خداوندی و به دنبال آن ، از شاگردان آن مکتب برای بررسی و سپس راهیابی به آداب درخواست و دعا، گلچین هایی ارائه و به توضیح و شرح آن می پردازیم:

## آیات الهی

خداوند متعال از طریق وحی به خاتم انبیا - صلی الله علیه و آله - ، در آیات فراوانی از دعاهای ملائکه ، انبیا، مؤمنان، جنیان و... سخن به میان آورده است . برخی از این آیات از زبان نامبردگان دعاهایی را بیان داشته و تحسین کرده ، یا بر آنها صحه گذاشته و برخی را نیز خود به امت های گذشته و یا امت اسلامی و پیامبران این امت ها آموخته است . نگاهی اجمالی در قرآن ، آن ودیعه الهی ، آدمی را به بیش از صد مورد از این نمونه رهنمون می کند که هر کدام از آنها در بردارنده ادبی از آداب دعا و نکته ها و ظرافت هایی در این زمینه است ؛ گرچه در این نوشته کوتاه ، مجال برای ذکر همه آنها نیست.

اما آب دریا را اگر نتوان کشید اما آب دریا را اگر نتوان کشید  
هم به قدر تشنگی باید چشید هم به قدر تشنگی باید چشید

یکی از آداب دعا «جهر و اخفات» (بلند و آهسته خواندن) آن است که در این نوشته دنبال شده است . اهل فن در زمینه فوق فراوان قلم زده و سخن به میان آورده اند که در میان کلام از آنها خوشه بر چیده استفاده می کنیم :

الف : {ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَّرِيًّا \* إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا} .

«این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده اش زکریا، هنگامی که پروردگارش را به صورت آرام و آهسته خواند».

در این آیه خداوند دعای زکریای پیامبر - علیه السلام - را متذکر شده که آن پیامبر الهی به صورت آرام و آهسته از خداوند طلب فرزندکرد. دو کلمه «نداء» و «خفياً» در کنار یکدیگر در حالی است که به گمان بعضی این دو متضاد می باشند. «ندا» به معنای دعای بلند و «خفياً» به معنای آرام و آهسته است و همین موضوع باعث شده دست به توجیهاات غیر معقولی بزنند؛ اما مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان به صورت منطقی این آیه را تفسیر کرده است.

وی «نداء» را به دعا و «خفياً» را به آرام معنا می کند، نداءً خفياً؛ یعنی «دعاءً خفياً»، سپس به تفسیر آن پرداخته می نویسد:

«وَأَصْلُ النَّدَاءِ مَقْصُورٌ مِنْ نَدَى الصَّوْتِ بِنَدَى الْحَلْقِ»<sup>2</sup>. «بنابر، این تفسیر، «خفياً» صفت برای «نداء» می شود که در فارسی از آن به دعای آرام و آهسته یاد شده است . در این صورت دیگر احتیاجی به آن توجیه ها نیست . مرحوم امین الاسلام طبرسی نیز همین معنا را برگزیده و در پی آن نوشته است : این خود دلیلی است بر اینکه مستحب است دعا به صورت آهسته و آرام خوانده شود و به اجابت نیز نزدیک تر است ، سپس روایت «خیر الدعاء الخفی» یعنی بهترین دعاها دعای سرّی ، آهسته و آرام است<sup>3</sup> دلیلی را برای تأیید گفته خود آورده است که در بخش روایت ها به شرح آن خواهیم پرداخت.

پس همان گونه که از تفسیر این آیه معلوم شد خداوند دعای آرام و مخفیانه را توصیه و سفارش کرده و به اجابت نزدیک تر دانسته است و از آیه هفت به بعد همین سوره بر می آید خداوند این دعای خالصانه زکریای پیامبر را اجابت کرده و خواسته او را بر آورده است.

ب: {وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ أَخْفَى} .<sup>4</sup>

«و اگر سخنت را آشکار کنی [یا پوشیده داری] بدان که او هر راز و هر نهفته ای را می داند».

در این آیه خداوند خطاب به پیامبر اسلام می فرماید: اگر سخنت را آشکار کنی (او) پروردگار تو) سرّ و اخفی را می داند و قابل توجه اینکه سرّ و اخفی با هم ذکر شده است. سرّ آن است که شخص مطلبی را از دیگران مخفی بدارد و به طور سرّی به فرد خاصی بگوید و اخفی آن است که آن مطلب را در نفس خویش مخفی داشته و کسی را از آن آگاه نسازد.

صاحب مجمع البیان از امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - نقل می کند: سرّ چیزی است که در نفس خویش آن را مخفی کنی و اخفی آن است که چیزی به ذهنت خطور کند و آن را از یاد ببری و به فراموشی بسپاری. وی پس از بیان این روایت می گوید: کوشش نکن صدای خود را [برای خواندن خدا] بالا ببری چرا که خداوند سرّ و اخفی را می داند.<sup>5</sup>

و اینکه گفته شد خداوند سرّ و اخفی را می داند کنایه از این است که لازم نیست هنگام دعا صدای خود را بلند کنی و داد و فریاد به راه اندازی، این آیه نیز آهسته و آرام خواندن دعا را سفارش می کند.

ج: {قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَأَنْجَانًا مِنْ هَذِهِ لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ}.<sup>6</sup>

«بگو چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا نجات میدهد، هنگامی که او را به صورت آشکار و نهان خوانده، می گویید: اگر خدا ما را نجات دهد از شاکران خواهیم بود.»

این دعا زبان حال کسانی است که در تاریکی دریا (به طوفان و امواج سهمگین آن) گرفتار شده اند، آنان در این حالت بحرانی تنها امید خود را خدا دانسته، دست به دعا بر می دارند و از آن قدرت بی منتها می خواهند که از این گرفتاری نجاتشان دهد. گرچه این خواسته از زبان گروهی گرفتار به امواج دریا و حتی مشرک بیان شده است اما همان گونه که از آیه بعد بر می آید، خداوند به این خواهش آنان جواب مثبت داد و چون اشکال و ردی نیز بر کیفیت بیان درخواست آنان نشده، معلوم می شود این گونه خواستن مورد قبول نیز واقع شده است. نکته قابل توجه ذکر دو واژه «تَضَرُّعًا» و «خُفْيَةً» در کنار یکدیگر است.

راغب اصفهانی تضرع را به اظهار ضراعت، ذلت و خشوع به درگاه خدا دانسته است. مرحوم علامه طباطبایی پس از ذکر کلام راغب می گوید: «ولذلك قوبل بالخُفْيَةِ وَهُوَ الْخَفَاءُ وَالِاسْتِنَارُ فَالتَضَرُّعُ وَالْخُفْيَةُ فِي الدَّعَاءِ هُمَا الْإِعْلَانُ وَالِإِسْرَارُ فِيهِ».<sup>7</sup>

خشوع و خشوع به درگاه خدا، بیشتر با سرّی بودن سازگار است نه با دعای بلند و سر و صدا.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه نوشته است: «هَذَا يَدُلُّ عَلَيَّ أَنَّ السُّنَّةَ فِي الدَّعَاءِ التَّضَرُّعُ وَالِإِخْفَاءُ»؛ «سنت در دعا، تضرع و آهسته و مخفیانه دعا کردن است.»

وی سپس روایت پیامبر - صلی الله علیه و آله - را که فرمود: بهترین دعاها دعای مخفی است ... ذکر کرده است.<sup>8</sup> از تفسیر این آیه نیز همچون آیه های سابق معلوم می شود، مطلوب در دعا آهسته و آرام بودن آن است.

د: {ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً}...<sup>9</sup>

«پروردگار خویش را با خشوع و خضوع و مخفیانه بخوانید»...

این آیه، هم افق با آیه پیش است، لذا سخنانی که در اطراف آن آیه مطرح شد در این جا نیز می تواند مطرح شود. علاوه بر آنها، صاحب مجمع البیان از حسن بصری، یکی از مفسران معروف نقل می کند: «بین دعوة السِّرِّ و دعوة العلانية سبعون ضعفاً» بین دعای سرّی و علنی هفتاد فاصله است. ذکر عدد بزرگ در کلام عرب در این گونه موارد معمولاً برای شمارش نیست بلکه برای بیان فرق زیاد است. لذا این مفسر خواسته فاصله زیاد بین دعای سرّی و دعای علنی را بیان کرده باشد.<sup>10</sup> در قسمت روایت ها، این روایت از ائمه هدی ذکر و به بحث گذاشته خواهد شد) مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید خفیه به معنای پنهانی و پوشیده داشتن است و بعید نیست کنایه از همان تضرع بوده و غرض از ذکرش تأکید همان اظهار ذلت باشد چون شخص متذلل همواره در اثر ذلت و خواری در صدد پنهان ساختن خویش است ... خداوند دستور داده این عبارت با تضرع و زاری انجام پذیرد و با صدای بلند که منافی با ادب عبودیت است نباشد (این معنا در صورتی است که او بین «تضرعاً» و «خفیه» و او جمع باشد)<sup>11</sup>.

همان گونه که ملاحظه شد علامه طباطبایی دعای بلند همراه با سر و صدا را نه تنها مطلوب و مفید ندانسته بلکه آن را مخالف با ادب عبودیت می دانند و به پرهیز از آن سفارش می کنند.

هـ: { وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ. }

خداوند در این آیه، یاد پروردگار را به دو قسم تقسیم کرده: یکی در دل، بدون هرگونه لفظ و به زبان آوردن و دیگری با زبان اما آرام و آهسته و به هر دو قسم آن، امر و توصیه کرده اما به ذکرهای با صدای بلند نه اینکه امر نکرده بلکه از آن نهی نموده است.

صاحب المیزان در تفسیر این دو آیه فرموده: اینکه خداوند به ذکر با صدای بلند فرمان نداده نه به خاطر این است که ذکر نیست بلکه به این خاطر است که با ادب عبودیت منافات دارد و روایتی از پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - به صورت نقل به معنا ذکر می کند که آن حضرت وقتی یکی از اصحابش با صدای بلند تکبیر می گفت فرمود: آن کسی که شما آن را می خوانید نه دور است و نه غایب<sup>12</sup>.

و: { وَلَا تُجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا<sup>13</sup>. }

نماز را نه زیاد بلند و یا خیلی آهسته بخوان و از میان آن دو، راهی (میانه) انتخاب کن.

این آیه گرچه به نظر بیش تر مفسران در مورد قرائت نماز نازل شده، اما ابن عباس آن را به دعا تفسیر کرده است<sup>14</sup>. هر کدام از این دو تفسیر را برگزینیم به هدف ما که بلند نکردن صدا در عبادت است کمک می کند.

خدا در این آیه پیامبرش را از عبادت با صدای بلند نهی کرده، انتخاب راه میانه را به وی پیشنهاد می کند و اگر نظر اکثریت مفسران را پذیرفته بگوییم در مورد نماز است آن گاه بر قوت بحث افزوده می شود که خداوند نخواست و رضایت نمی دهد بهترین عبادت بندگانش با صدای بلند انجام گیرد.

تا اینجا گلچینی از آیات مورد توجه قرار گرفت و از آنها توصیه به آرام برگزار کردن دعا فهمید شده و در موارد مذکور نمونه ای یافت نشد که دعای بلند همراه با سر و صداهای معمول را تجویز نماید.

اما آیات دیگری نیز وجود دارد که کلی است و می توان از کلیت آنها در این بحث استفاده نمود، به چند مورد آن اشاره می گردد:

الف - { وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ<sup>15</sup>. }

اوست خدا در آسمان ها و در زمین، آشکار و پنهان شما را می داند و بدان چه به دست می آورید آگاه است.

ب - { عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ \* سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ<sup>16</sup>. } ...

او دانای به غیب و شهود و بزرگ و متعالی است، برای او یکسان است که کسی پنهانی یا آشکارا سخن بگوید (هر دو را می شنود و بدان آگاه است).

ج - { إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ<sup>17</sup>. }

او سخنان آشکار و آنچه پنهان می کنید می داند (چیزی بر او مخفی و پوشیده نیست).

د - { وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>18</sup>. }

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکارا سازید [برای خدا تفاوتی نمی کند] او آگاه است به آنچه در سینه ها می گذرد.

هـ - { ... إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى<sup>19</sup>. }

او آشکار و پنهان را می داند.

این دسته آیات به ما می آموزد خداوند عالم و آگاه به تمام وجود ما است و در برابر علم او چیزی نمی تواند خود را در بوتۀ ابهام نگه دارد، او نه تنها آگاه به ظواهر است که نهان و ذات پنهان را نیز می داند (این خود بحثی است طولانی که این کوتاه سخن را مجالی برای ذکر آن نیست) حال که چنین است چه لزومی دارد انسان هنگام خواندن آن عالم السرّ و الخفیات، صدا را بلند کرده و او را [نعوذ بالله] تا حد یک فرد کر و کور تنزل دهد و اگر دعا کننده به آن حد از معرفت نرسیده باشد و نفهمد با چه مقامی سخن می گوید باید بدانند هرگز به مطلوب خود به طور کامل راه نخواهد یافت.

## اما روایات

روایات نقل شده از پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - و ائمه هدی - علیهم السلام - نیز به تبع آیات، دعای سری و مخفی را سفارش می کنند.

1- اسماعیل بن همام از امام رضا - علیه السلام - نقل می کند که آن حضرت فرمود: «دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرّاً دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تُعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً» يك دعای سری بنده معادل هفتاد دعای علنی است.<sup>20</sup> این روایت همان گونه که مرحوم مجلسی - رحمه الله - نیز بیان کرده از نظر سلسله سند صحیح می باشد و می فهماند که دعای مخفی افضل از دعای آشکار است به شرط آن که دعای آشکار شائبه ریا نداشته باشد و الا هیچ گونه فضلی در آن متصور نخواهد بود.<sup>21</sup>

2- «دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا» يك دعای مخفی افضل از هفتاد دعای علنی است.<sup>22</sup> این روایت تأکید و تأیید کننده مفهوم روایت قبل است و ذکر عدد بزرگ در کلام عرب همان گونه که قبلاً ذکر شد برای بیان ارزش فضل زیاد می آید.

3- امام صادق - علیه السلام - فرمود: «مَنْ ذَكَرَنِي سِرّاً ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً»<sup>23</sup> هر کس مرا در سرّ بخواند من او را آشکارا یاد می کنم. این روایت نیز مانند روایت های قبل بیان کننده شرف و فضل دعای مخفی است. اما در مورد اینکه خداوند چگونه دعا کننده مخفی را یاد می کند سخنان فراوانی گفته شده که از حوصله این بحث خارج است.

4- زراره از امام باقر - علیه السلام - و امام صادق - علیه السلام - نقل می کند: «لَا يَكْتُبُ الْمَلِكُ إِلَّا مَا سَمِعَ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَادْكُرْ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ ذَلِكَ الذَّكْرِ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِعِظَمَتِهِ»<sup>24</sup>.

ملك (مأمور ثبت اعمال) چیز نشنیده را ثبت نمی کند و این در حالی است که خداوند توصیه به دعای سری نموده است پس نتیجه گرفته می شود که ثبت و پاداش دعای سری با خود خداست و خود ضامن چنین دعایی است (این دعا چون بی واسطه است از مراحل عالی پاداش برخوردار خواهد بود).

مرحوم مجلسی در شرح این روایت چند مسئله را متذکر شده است:

اول: ذکر قلبی از ریا خالی است، چرا که وقتی ملائکه از آن با خبر نشوند چگونه دیگران می توانند از آن اطلاع یابند بنابراین هیچ گونه ریایی در آن متصور نیست.

دوم: ذکر قلبی بر ذکر آشکار رجحان دارد و ظاهراً این برداشت از آیه بعدی مورد بحث است، چون در آیه بعدی واژه «دون الجهر» مقدم بر «القول» شده است و این تقدم بیان کننده رجحان و عظمت دعای مخفی بر دعای آشکار است.

سوم: از تخصیص تضرع و خفیه به ذکر قلب معلوم می شود عمده تضرع با ذکر قلبی حاصل می شود نه با ذکر آشکار و زبانی.

مرحوم مجلسی در پایان نتیجه گرفته است، هر کاری که موافق با فرمان خداوند سبحان بود دارای ثواب است و ذکر مخفی از اعمالی است که مورد فرمان خدا است. خدا می توانست علامتی قرار دهد که ملائکه بر اعمال سری آگاه شده، بتوانند آن را ثبت کنند. اما اینکه برای آنان چنین نشانه ای قرار نداد به خاطر شدت

عنایت خداوند به چنین عمل است که وفور ثوابش را فقط خودش می‌داند و بس و ثبت آن فقط در حیطة علم خداوندی می‌تواند جای گیرد<sup>25</sup>.

#### 5- «خَيْرُ الدُّعَاءِ الْخَفِيِّ وَ خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي»<sup>26</sup>.

بهترین دعا دعای مخفی و بهترین رزق رزقی است که مکفی انسان باشد.

6- در تفسیر مجمع البیان نقل شده روزی پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - بر مردمی عبور کردند که صدای خود را به «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تکبیر بلند کرده بودند پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «أَيْهَا النَّاسُ ارْبِعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا وَ إِنَّمَا تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا مَعَكُمْ»<sup>27</sup>. «ای مردم به خود باز گردید (در کار خود تفکر کنید) آیا شما ناشنوا و غایبی و غایبی را می‌خوانید (که چنین صدای خود را بلند کرده اید) بلکه شما شنوایی که با شما هیچ گونه فاصله ای ندارد می‌خوانید.

این فرمایش پیامبر نهی ضمنی در خود دارد بدین گونه که می‌خواهد به آنان بفهماند این چگونه دعایی است که این قدر قال و قول دارد در صورتی که شما کسی را می‌خوانید که از رگ گردنتان به شما نزدیک تر است

و این بود خوشه ای از ده ها و صدها توصیه از بزرگان دین در مورد ادب راهیابی به حریم با حرمت ربوبی

### نتیجه گیری

از جمع آیات و روایات به دست می‌آید مطلوب در دعا آهسته و آرام خواندن آن است و بلند خواندن و سر و صدا به راه انداختن نه تنها توصیه نشده بلکه همان گونه که مشاهده شد پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - از آن نهی فرمودند دعا کننده نباید تنها با زبانش چیزی را بخواهد بلکه باید با تمام وجود احساس نیاز کرده خواسته اش را از خدا طلب کند که در این مواقع زبان تنها سخنگو است و بیانگر درون و روح و روان است . و از طرفی آن که از درگاهش خواهش می‌شود سمیع و بصیر است و همه تار و پود آدمی را می‌داند و از خواسته های درونی اشخاص با خبر است چه رسد به وقتی که در قالب الفاظ درآمده به زبان آید و گذشته از همه آنها عقل سلیم آدمی نیز همین برداشت را تأیید می‌کند چرا که هر گاه بنده بخواهد وصل به معبود شود تمرکز لازم دارد و تمرکز با داد و فریاد منافات داشته هرگز با هم جمع نمی‌شوند. انسان باید تمام افکار خود را متوجه او سازد تا به وصلش نائل آید، از هم گسیختگی و داد و فریاد مخالف با ادب عبودیت و در تضاد کامل با عشق ورزیدن به معبود است مگر اینکه وقتی در عشق او می‌سوزد از خود بی خود شده و زبان به فریاد بگشاید و عشق درونی خویش را ناخود آگاه نمایان سازد.

علاوه بر این رعایت حقوق دیگران از بدیهیات اخلاقی است و نادیده گرفتن و تجاوز به آن و در نتیجه همان گونه که مورد نهی عقل و شرع بوده ناخشنودی خالق را نیز به دنبال خواهد داشت و چگونه می‌توان با کاری که موجب ناخشنودی پرورگار است رضایت او را جلب کرده ، وسیله باریابی به بارگاه قدسش قرار داد . بدیهی است در این حالت نه آن که صعودی متصور نیست بلکه سقوطی نیز نمایان است و این خسارتی است که هیچ عاقلی را بدان گمان نمی‌رود و او را نسزد که برای رسیدن به مطلوب خود از راه های غیر عاقلانه و حتی غیر شرعی استفاده کند و پیمودن آن ، راهی است به بیراهه.

حال که روشن شد دعای مطلوب آهسته و آرام خواندن و رعایت حقوق دیگران است پس باید از سر و صدا و دعای بلند به خصوص دعاهای دسته جمعی اطراف خانه توحید دست کشید و طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه را که دو عمل عبادی است به تظاهرات مبدل نکرد<sup>28</sup> و از شور آفرینی های بی مورد جداً خودداری کرد<sup>29</sup>.

بی سواد بی بعضی مؤمنان و شك در اشواط و توجیهاتی از این قبیل مجوز این کارها نمی‌شود . می‌توان آنان را به ذکرهای وارد شده همچون تسبیحات اربعه که بنابر روایت منقول در اصول کافی به عنوان بهترین ذکر دانسته شده و یا ذکر صلوات بر محمد و آل محمد که آن هم بنابر روایتی از جمله بهترین دعاها شمرده شده سفارش نمود و یا لااقل يك نفر دعاهای اشواط را خوانده و به دیگران سفارش کند به صورت آهسته زمزمه

کنند به امید اینکه این دو عبادت خصوصاً طواف که از ارکان حج و عمره دانسته شده به طور صحیح به جا آورده شود و نقطه اوجی باشد برای حجاج و معتمران و طواف کنندگان اطراف خانه توحید و حریم حق.

### پی نوشت ها

:

1. مریم 2: (19) و 3
2. تفسیر البیان ، ج 7 ، ص 103 ، چاپ اول ، دفتر تبلیغات اسلامی ، رمضان 1409
3. تفسیر مجمع البیان ، ج 3 ، ص 502 چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی 1403
4. طه 7: (20)
5. تفسیر مجمع البیان ، ج 4 ، ص 3
6. انعام 63: (6)
7. تفسیر المیزان ، ج 7 ، ص 133
8. تفسیر مجمع البیان ، ج 2 ، ص 314
9. اعراف 55: (7)
10. تفسیر مجمع البیان ، ج 2 ، ص 429
11. تفسیر المیزان ، ج 7 ، ص 159
12. تفسیر المیزان ، ج 8 ، ص 382
13. الاسراء (110-117):
14. تفسیر جامع البیان ، ج 6 - 5 ، ص 446
15. الانعام (6) ، 3
16. الرعد (13) 9 و 10
17. الانبیاء (110-117)
18. الملک 13: (67)
19. الاعلی 7 (87)
20. کافی ج 2 ، باب اخفاء الدعاء ، ص 476
21. مرآة العقول ، ج 12 ، ص 33
22. همان.

23. کافي ، ج 2 ، باب ذکر الله عزوجل في السرّ، ص 501 و 502 .

24. همان.

25. مرآة العقول ، ج 12 ، صص 142 و 141

26. تفسیر نور الثقلین ، ج 3 ، ص 321 به نقل از مجمع البیان.

گفتني است در کتب روايي «خير الدعاء...» با تعبير «خير الذّکر...» آمده است.

27. مجمع البیان ، ج 2 ، ص 429 ، تفسر نور الثقلین ج 2 ، ص 40 به نقل از تفسیر مجمع البیان.

28. هنگام سعي بين صفا و مروه خصوصاً در زمان عمره ديده مي شود كاروان ها به همراه يكديگر مشغول سعي و دسته جمعي به خواندن دعاهاي آن مي پردازند در بعضي مواقع آن قدر صدا بلند است كه واقعاً افراد را از حال و هواي عبادت خارج کرده و موجب رنج ديگران مي شود.

29. در طواف كعبه ملاحظه شد جمعيت زيادي از زائران ايراني خانه خدا هماهنگ با يكديگر با صداي بلند به خواندن دعاي جوشن كبير مشغولند و سر هر بند با صداي بسيار بلند و حتي آزار دهنده سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا ربّ مي گویند و موجب نارضايتي ديگر عبادت كنندگان مي شوند.